

تأثیر مؤلفه‌های استقلال و امنیت بر گسترش نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی^۱

علی ربیعی^۲ * زهرا نظریان^۳

چکیده

این مقاله به منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های «استقلال» و «امنیت» بر توسعه نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی سامان یافته است. این مطالعه از جنبه هدف کاربردی و تا حدی توسعه‌ای بوده و از لحاظ ماهیت نوعی مطالعه توصیفی و پیمایشی محسوب می‌شود که پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و کیفی با اعضای گروه کانونی و شناسایی شاخص‌های موجود، با استفاده از روش دلفی تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها در وضعیت موجود و مورد انتظار سنجیده شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر بسیار زیاد استقلال مالی و اقتصادی، استقلال علمی، امنیت مالی و اقتصادی، استقلال در جذب هیئت علمی و استقلال در همکاری و مشارکت با دانشگاه‌های خارجی بر توسعه نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی در کشور است.

واژگان کلیدی: نظام آموزشی، آموزش عالی، استقلال دانشگاهی، امنیت و خصوصی‌سازی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال دوم • شماره هشتم • پاییز ۹۲ • صص ۶۳-۹۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۳

۱. این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با همین عنوان به سفارش معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام است.
۲. دانشیار گروه ارتباطات و مدیریت رسانه دانشگاه پیام نور (alirabiee@pnu.ac.ir).
۳. مدرس گروه مهندسی صنایع دانشگاه پیام نور، نویسنده مسئول (z.nazarian184@gmail.com).

مقدمه

در اقتصاد دانایی محور امروزی، مؤسسات آموزش عالی به عنوان مراکز توسعه نیروی انسانی نقش مهمی در رشد اقتصادی و پیشرفت کشورها ایفا می کنند. به همین دلیل، برنامه ریزی راهبردی در این مؤسسات اهمیت ویژه ای دارد و آنها را در انطباق با محیط و سیاست های کلان آموزشی به منظور دستیابی به آینده ای بهتر هدایت می کند (Kettunen, 2006). همچنین گرایش کشورها به استقبال از جهانی شدن همراه با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، رویکردها و ابزارهای قدرتمندی را برای ایجاد شبکه های جهانی آموزشی و پژوهشی ایجاد کرده است (Abel et al., 2007). نقش اساسی دانشگاه ها تا قبل از قرن بیستم میلادی، بیشتر پاسداری از فرهنگ و انتقال میراث علمی نسل های گذشته به نسل های آینده، ساختن و پرداختن زیربنای فرهنگ علمی و بالا بردن وجهه و اعتبار ملی بوده است؛ ولی از قرن بیستم با آغاز جهش روزافزون دانش و فناوری، رسالت دانشگاه ها به عنوان کانون خلاقیت علمی و پویایی اجتماعی اهمیت حیاتی پیدا کرده است (فیوضات، ۱۳۸۲). با توجه به پیچیدگی چالش های جهانی حال و آینده، آموزش عالی مسئولیتی اجتماعی برای ارتقای شناخت در مورد معضلات چندلایه دارد که شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی و توانایی در پاسخگویی به آنهاست. بنابراین ضروری است جامعه ما نیز بر اساس رویکرد و توسعه دانایی محور به جامعه ای دانش بنیاد تبدیل شود (پسندیده، ۱۳۸۵).

سرمایه گذاری در آموزش عالی هم از دیدگاه فردی و هم از منظر اجتماعی، سرمایه گذاری پرمنفعتی است، چرا که در مقابل هزینه های انجام شده، فایده های نقدی و غیرنقدی قابل توجهی را به وجود می آورد (عمادزاده، ۱۳۸۸: ۹۹). اما امروزه دولت ها

1. http://www.irunesco.org/index.php?option=com_content&view=article&id=340:---2009---8-5--2009---8-2009&catid=28:1388-06-04-08-14-43&Itemid=66.

دچار محدودیت‌های بی‌شماری هستند، چراکه در مقابل بخش آموزش، بخش‌های رقیبی مانند بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی وجود دارند که آنها نیز به شدت متقاضی بودجه بیشتری از طرف دولت هستند، بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که آموزش عالی سوای از بودجه‌های دولتی به دنبال تأمین مالی از بخش خصوصی است (همان: ۹۷). از این رو به دلیل منابع مالی محدود دولتی جهت سرمایه‌گذاری بهینه برای رشد و توسعه نظام آموزشی، مشارکت مردمی ابزاری مناسب برای تجهیز هرچه بهتر منابع است (قاجارگر، ۱۳۸۰).

یکی از برنامه‌های مهم دولت‌های مدرن در کشورهای جهان سوم، گسترش نظام آموزش عالی است. این روند با توجه به افزایش جمعیت غیرمتعارف این گونه کشورها، همواره با نوعی عقب‌ماندگی و عدم پاسخگویی روبه‌رو بوده و فرایند کارآمدسازی منابع انسانی برای توسعه را با نارسایی مواجه می‌کند. از سویی دیگر، در اکثر کشورهای جهان سوم در نسبت‌بندی بین بخش‌ها، بخش خصوصی بسیار ضعیف است. مالکیت‌ها، عمدتاً عمومی و دولتی است و در تعدادی از کشورهای جهان سوم در دست طبقه حاکم قرار دارد. در این کشورها بخش خصوصی دارای ضعف مفرط است. اتفاقاً این ضعف موجب به وجود آمدن دولت بی‌رقیب در عرصه‌های صنعتی و تولیدی است و خود علتی بر ناکارآمدی دستگاه‌های بی‌رقیب اداری است. سندرم رایج چنین کشورهایی مبنی بر ناکارآمدی دولت‌های فربه شامل بخش آموزش نیز یوده است. بنابراین همچون سایر عرصه‌ها که به کارگیری بخش خصوصی و توان غیردولتی به عنوان یک ضرورت در دو دهه اخیر در حال پیگیری است، به کارگیری توان بخش خصوصی در آموزش عالی نیز الزاماً در دستور کار چنین کشورهایی قرار گرفته است (ربیعی، ۱۳۸۶).

امر خصوصی‌سازی در ایران به‌طور کلی در تمامی عرصه‌ها با موانع متعددی همراه بوده است که آموزش عالی نیز از این امر مستثنا نیست. این امر به‌خصوص با توجه به لزوم کاهش حجم فعالیت‌های دولت و واگذاری فعالیت‌های قابل واگذاری به بخش خصوصی بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی دارای اهمیت شایانی است. با وجود این، در این راستا مقاومت‌هایی صورت پذیرفته که مانع از ایجاد روندی اثربخش شده است که با وجود دو دهه پیگیری خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها در ایران چشم‌اندازی مبهم را پیش روی قرار داده است. از این رو بررسی خصوصی‌شدن مراکز و نهادهای

دانشگاهی که به نحوی دارای آمیختگی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده و به نوعی با وظایف مستقیم و اصلی دولت سروکار دارند، تأمل و تعمق بیشتری می‌طلبند. در این راستا کانون توجه در مطالعه حاضر بررسی تأثیر مؤلفه‌های موجود از دو بعد «استقلال» و «امنیت» بر نظام آموزش عالی غیردولتی بوده و درصدد است علاوه بر مرور ادبیات و نظریات موجود، در اقدامی پژوهشی نظر خبرگان حوزه آموزش عالی را در این زمینه مورد پیمایش قرار دهد. به نظر می‌رسد نتایج مطالعه بتواند به‌منظور برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌های لازم مورد استفاده دستگاه‌های آموزش عالی، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی، وزارت آموزش عالی کشور و سیاست‌گذاران شوراهای فرهنگی و پژوهشگران حوزه آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد. تحقیق حاضر درصدد است به این سؤال‌های اساسی پاسخ دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های استقلال و امنیت دانشگاهی کدامند و تأثیر این مؤلفه‌ها بر توسعه نظام آموزش عالی غیر دولتی تا چه حد است.

۱. ادبیات نظری

پنجاه سال پیش، سیستم‌های دانشگاهی کوچک و تنها شامل تعداد معدودی رشته تحصیلی بودند، اما امروزه به‌دلیل پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک، دانشگاه‌های بیشتر با دانشجویان و همچنین رشته‌های تحصیلی گسترده‌تر، تأسیس شده‌اند (Barr & Crawford, 2005). به همین دلیل آموزش عالی نیاز دارد در حد توان خود برای تعلیم دانشجویان تلاش کرده و در این زمینه سرمایه‌گذاری کند (Zumeta, 2001). چنانکه امروزه بسیاری از این مؤسسات درصد بالایی از منابع خود را از منابع خارجی، شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و بازرگانی تأمین می‌کنند (مهرگان و دهقان‌نیری، ۱۳۸۸: ۵۷). حتی درون دانشگاه‌های نسبتاً بزرگ دولتی هر یک از گروه‌های آموزشی باید برای جذب دانشجویان، اجرای تحقیقات و دسترسی به منابع مالی کافی به رقابت بپردازند. از این رو آنها مجبور به تقویت و متنوع کردن روابط خارجی خود با ذی‌نفعان هستند. در نتیجه، دانشگاه‌ها باید در روش‌های مدیریت اجرایی و تأمین مالی، سازمان‌های داخلی و نوع روابط خارجی خود بازننگری کنند (هاشم‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۵). علاوه بر این، کسانی که تخصیص منابع مالی را بر عهده دارند، مایلند بدانند که منابع مالی تخصیص‌یافته آنها کجا و چگونه مصرف می‌شود و انتظار دارند دریافت‌کنندگان منابع در خصوص نحوه مصرف این منابع پاسخگو باشند. از طرف دیگر، دریافت‌کنندگان منابع مالی معمولاً تمایل دارند در تخصیص منابع از آزادی عمل بیشتری

برخوردار بوده و نیازی به پاسخگویی در برابر نهادهای بیرونی نداشته باشند. این موضوع در خصوص دانشگاه‌هایی که خواستار خودگردانی در اداره امور خود هستند، مصداق بیشتری دارد (Becker et al., 2007). از این رو، سیاست‌گذاران، مدیران و رهبران آموزشی در جست‌وجوی ابداع و به‌کارگیری راه‌حل‌ها و روش‌هایی هستند که از طریق آنها بتوانند با پیامد چنین تغییراتی مقابله کنند (OECD, 2007: 16).

در اغلب کشورها اصلاح یا تحول در نظام تخصیص منابع مالی به عنوان ابزار مهمی در زمینه مدیریت نظام آموزش عالی در نظر گرفته شده است (عزتی و نادری، ۱۳۸۸: ۲۵). این تحولات، دانشگاه را در معرض تهدیدهایی چون رنگ باختن الزامات ساختی - کارکردی، تقلیل آن به بنگاه اقتصادی و گم شدن سرشت انتقادی آن قرار داده است. وساطت فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات موجب تحولات فناوری و ارتباطات و مجازی شدن در ساختار سنتی اجتماع علمی شده است. فقدان مرزهای ذاتی و طبیعی برای اجتماع علمی و دانشگاهی، استقلال آن را با چالش‌های تازه‌ای مواجه ساخته است (قانع‌راد، ۱۳۸۳). منتقدان اعتقاد دارند که روندهای جاری بازاری شدن، دانشگاه را در معرض از دست دادن نقش‌های انتقادی قرار می‌دهد و آن را به خدمت ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری درمی‌آورد (Becher & Trowler, 2001).

مشارکت فعال بخش غیردولتی، همواره یکی از پیش‌شرط‌های نهادینه شدن آزادی در همه زمینه‌هاست. آموزش عالی کشورمان بیش از اندازه دولتی است. منحصر شدن منابع مالی دانشگاه‌ها به بودجه نفتی دولت بزرگ‌ترین آفت استقلال و آزادی آنهاست. با وجود تعهدات دولت و بخش عمومی نسبت به حمایت مالی از دانشگاه‌ها، آنها باید با تنوع بخشیدن به منابع اعتباری خود، آسیب‌پذیری خود را نسبت به متغیرهای ناپایدار اقتصادی کاهش دهند. دولت نیز باید موظف باشد از طریق اعطای تسهیلات بانکی به صورت وام‌های بلندمدت با بهره کم، واگذاری زمین مناسب با کاربری آموزشی، معافیت از مالیات و عوارض و سهمیم شدن در ریسک بخش غیردولتی، از توسعه مؤسسات آموزش عالی حمایت کند (فراستخواه، ۱۳۸۷: ۶۹). با وجود این، در ده سال گذشته کمیت و کیفیت آموزش عالی در ایران از رشد خوبی برخوردار بوده است. هم‌اکنون حدود سه میلیون و هفتصد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند که در این میان سهم بخش غیردولتی غیر قابل انکار است (آراسته

و اسفندیاری، ۱۳۸۹: ۱۶). در این راستا و در سند چشم‌انداز کشور، ایران در سال ۱۴۰۴ در قالبی از تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی به تصویر کشیده شده است. درک اهمیت نقش آموزش عالی می‌تواند قابلیت کشور را در برابر سایر کشورها افزایش دهد. چالش‌های فراروی چشم‌اندازهای دور و نزدیک در ارتباط با این نهاد اجتماعی، توجیهی کافی برای تجدید نظر در سیاست‌های مربوط به آن در قرن ۲۱ محسوب می‌شود (رحمان‌سرسشت و احمد اصفهانی، ۱۳۸۰). از این رو و با توجه به آنچه ذکر شد، به نظر می‌آید که آموزش عالی برای استمرار بقای فعالیت خود مجبور به ارتقای سطح و کیفیت فعالیت و کاهش هزینه است. بنابراین حضور پررنگ‌تر بخش خصوصی به نفع اقتصاد ملی خواهد بود (NKE, 2002: 35).

اصطلاح خصوصی‌سازی در آموزش عالی، بر فرایند یا گرایشی اطلاق می‌شود که در آن دانشگاه‌ها و مدارس عالی (اعم از دولتی و خصوصی) منش‌ها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را پیش بگیرند (جانستون، ۱۳۸۳). به‌طور کلی خصوصی‌سازی سبب افزایش فشار بر دانشگاه‌ها به منظور افزایش کارایی، پیگیری و دستیابی به اهدافشان و درآمد بیشتر می‌شود (NEA, 2004: 34). خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها نقشی حیاتی در هدایت تحصیلی دانشجویان برای دستیابی به چشم‌اندازهای تحصیلی بازی می‌کند و به دنبال دستیابی به حداکثر کارایی و بهره‌وری و درآمد است (Bistang, 2005: 4).

۱-۱. استقلال دانشگاهی

دانشگاه نهادی است نیازمند استقلال علمی و سازمانی و برخوردار از آزادی‌های علمی که در آن استادان، محققان، دانشجویان، کارشناسان و کارکنان بهره‌مند از اطمینان و امنیت فکری، شغلی، مالی، سیاسی و اجتماعی بتوانند به تولید اندیشه، دانش و تعمیق تعهدات اجتماعی پردازند (معین، ۱۳۸۳: ۲۰). بحث برانگیز شدن مفهوم استقلال آکادمیک از تغییرات اساسی در ساختار دانش نشئت گرفته است. تولید دانش دیگر یک فرایند خطی از دانشگاه به بیرون آن تلقی نمی‌شود. هم در دنیای کسب‌وکار و هم در فضای عمومی، رقاباتی برای دانشگاه به وجود آمده است و یادگیری در سطح عالی از کلاس‌های درسی دانشگاهی به جامعه شبکه‌ای گسترش یافته است (Rossman, 2003).

استقلال دانشگاهی به مفهوم حق خودگردانی در طول دهه‌های گذشته روند پر فراز و نشیب و رو به رشدی داشته است. مفهوم استقلال دانشگاهی عبارت است از: برخورداری از آزادی و عدم پابندی به مقررات دست‌وپاگیر دیوان‌سالارانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه، مدیریت آن، توزیع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیرعمومی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و برخورداری از آزادی در خصوص چگونگی تدریس و پژوهش (ذاکرسالچی، ۱۳۸۸). مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استقلال دانشگاهی در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته عبارتند از: ۱. سنت‌ها و هنجارهای تاریخی «اجتماع علمی»، ۲. خاستگاه غیردولتی دانشگاه و تکوین و توسعه آن در بیرون دولت، ۳. وجود منابعی برای دانشگاه‌ها علاوه بر منابع عمومی و دولتی و از طریق بخش خصوصی و غیردولتی و ۴. جنبه‌های خصوصی یا غیرانتفاعی دانشگاه. بر همین اساس کم و کیف استقلال دانشگاهی در این کشورها تفاوت‌هایی با هم داشت (فراستخواه، ۱۳۸۲: ۱۸-۲). خودمختاری و استقلال دانشگاهی دارای چهار بعد مهم است که با یکدیگر رابطه هم‌افزا دارند: خودگردانی اداری، استقلال مالی، استقلال علمی و استقلال در ارتباطات ملی و بین‌المللی. بعد چهارم مؤلفه جدیدی است که به لحاظ شرایط خاص ایران به الگوی سه‌وجهی رایج در ادبیات نظری افزوده شده است. استقلال اداری و مالی سبب‌رهایی دانشگاه از قید و بند مقررات و دیوان‌سالاری دولتی می‌شود. فاصله گرفتن از ساختار دولتی، قدرت علمی و نقادی دانشگاه و استقلال عمل، این نهاد تأثیرگذار را به جریان تفکر و اندیشه و تولید علم ارتقا می‌دهد. با توسعه استقلال علمی به صورت متقابل جامعه علمی خواهان خودگردانی اداری و مالی بیشتر می‌شود و این فرایند متقابل در نهایت به بلوغ مدیریتی مراکز علمی منتهی می‌شود (ذاکرسالچی، پیشین: ۸۹ و ۹۰).

اغلب محققان بر این باورند که نهادهای آموزش عالی باید در اداره امور داخلی و سازوکارهای آن استقلال داشته و هیچ‌گونه اعمال نفوذی از محیط خارج از دانشگاه در مورد اعطای مدارک علمی، تعیین موضوعات درسی و مباحثات گروه‌ها، دانشکده‌ها و غیره صورت نگیرد (رحمانی و نصرآبادی، ۱۳۸۰: ۷۲). با وجود این، وقتی از دانشگاه مستقل سخن می‌گوییم، این به معنای وجود نهادی کاملاً مستقل از کنترل دولت یا بودجه علمی نیست، بلکه منظور دانشگاهی است که با وجود وابستگی شدید به بودجه عمومی، در اداره خود، تعیین استانداردها و اولویت‌هایش در زمینه آموزش، موضوعات درسی و

پژوهش، جذب بودجه از دیگر منابع و تعیین سازمان خود کاملاً مستقل است (همان: ۷۴). از سوی آزادی علمی که شامل خودمختاری سازمانی می‌شود، گاه با سایر حقوق رقابت می‌کند (Delamini, 2006). جونز رابطه همکاری دانشگاه‌ها با خود مختاری آنها را بررسی کرده و توضیح داده است که در مواجهه با فشار برای گسترش توانایی‌های دانش‌آموختگان، وابسته بودن بیشتر به سرمایه‌گذاران و تأمین یک جامعه آموزشی بیشتر، دانشگاه‌ها باید هم موقعیت‌های آموزشی را که ارائه می‌دهند و هم چگونگی آن را مجدداً مورد ملاحظه قرار دهند. امروزه، دانشجویان از طریق موقعیت‌های آموزشی بالقوه انعطاف‌پذیری بیشتری را می‌خواهند (Jones, 2006). همچنین آزادی فردی در محیط علمی به مفهوم آزادی استاد در آموزش و نیز شیوه آموزش آنچه وی مناسب می‌داند بدون دخالت نهادی که عضو آن باشد است. آزادی دانشجو نیز در مفهوم انتخاب محل تحصیل و استاد مورد علاقه خویش است (رحمانی و نصرآبادی، پیشین: ۶۷) اعضای جامعه علمی در فعالیت‌های تحقیقاتی، آموزشی و تحصیلی و خدمات و مشارکت‌های علمی خود از هرگونه تبعیض مصون باشند و هیچ‌گونه مداخله یا سرکوب از سوی دولت‌ها یا دیگر سازمان‌ها و منابع آنها را تهدید نکند (world university service, 2002).

۲-۱. امنیت دانشگاهی

امنیت را می‌توان فراغت و مصون بودن از هرگونه تهدید و خطر و یا آمادگی برای رویارویی با آن تعریف کرد. امنیت را بسته به زمینه کاربرد می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

- امنیت فردی: حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند.
- امنیت اجتماعی: حالت فراغت همگانی از تهدید است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمامی یا در بخشی از جامعه پدید آورده است.
- امنیت ملی: حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد.
- امنیت بین‌المللی: حالتی است که در آن قدرت‌ها در حالت تعادل و بدون دست‌یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجد در خطر نیفتد.

از دیدگاه «بوزان» امنیت سیاسی ثبات سازمانی دولت و حمایت از حکومت و ایدئولوژی‌هایی است که به حکومت مشروعیت می‌دهد و امنیت اجتماعی، امنیت فرد را به جای امنیت دولت در کانون توجه خود قرار می‌دهد. در کشور ما، طی چند سال گذشته، همزمان با تحولات صورت گرفته در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، مفهوم امنیت فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و در مباحث اجتماعی - سیاسی از آن استفاده شده است. منظور از امنیت فرهنگی از نظر مقامات و مسئولان، حفظ ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی یا به تعبیری تأمین امنیت آنها در برابر تهاجم‌های مختلف داخلی و خارجی است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۶۸). با وجود این، بسته به اینکه مرجع امنیت را چه تعریف کنیم، شاخصه‌های امنیت اجتماعی متفاوت است (Bilgin, 2003). اگر مرجع امنیت را دولت در نظر بگیریم، امنیت اجتماعی را باید از زاویه دولت مورد توجه قرار دهیم که در این صورت امنیت اجتماعی همانند امنیت اقتصادی مقوله‌ای است در خدمت امنیت و بقای نظام سیاسی و اگر مرجع امنیت را جامعه فرض کنیم این جامعه است که مبنای اصلی تعریف و شناسایی تهدید قرار می‌گیرد (هاشمی، پیشین: ۶۰). همچنین امنیت اجتماعی شیوه‌ای برای اندیشیدن آن دسته از مسائلی است که مرجع آن نه دولت، بلکه مردم و ملت هستند (Sheehan, 2005:84). از این رو سازمان‌ها و نهادهای آموزشی می‌توانند علاوه بر تأمین ابعاد اقتصادی امنیت، به جریان و روندهای اجتماعی نیز کمک کرده و به گونه‌ای پیوسته و پیگیر، قسمتی از جامعه را با دولت همسو سازند. همچنین گسترده‌گی و انسجام حاکم بر مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های غیردولتی می‌تواند علاوه بر بهبود سطح فرهنگی، زمینه‌های مناسب اقتصادی را نیز فراهم سازد. با توجه به موضوع مورد بررسی در این مطالعه در زمینه امنیت در حوزه آموزش عالی به نوعی امنیت اجتماعی، فردی و فکری، سیاسی، علمی و پژوهشی، مالی و اقتصادی مطرح است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای اکتشافی است که به طریق میدانی با ماهیت توصیفی-پیمایشی انجام گرفته و از نظر هدف کاربردی است. برای انجام این تحقیق از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی در کنار هم استفاده شده است. در مرحله پیمایشی تحقیق ابتدا به شیوه مصاحبه با گروه کانونی مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناسایی و سپس به منظور شناسایی تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها، از شیوه دلفی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه اعضای هیئت علمی

دانشگاه‌های سطح شهر تهران است. در بخش مصاحبه با گروه‌های کانونی روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و اعضای نمونه از ۳ دانشگاه دولتی، آزاد و غیرانتفاعی (هر دانشگاه ۲ نفر و در مجموع ۶ نفر) هستند. در بخش جمع‌بندی تحقیق و نتیجه‌گیری نیز به شیوه دلفی از بیست تن از خبرگان و کارشناسان همان دانشگاه‌ها خواسته شد نظرات خود را در زمینه مهم‌ترین مؤلفه‌های به دست آمده از مصاحبه با گروه‌های مرجع بیان کنند. تحلیل اطلاعات در بخش مصاحبه، به شیوه تحلیل محتوا و در بخش دلفی از طریق جمع‌بندی نظرات کارشناسان و تعیین اولویت‌ها است. طی دو مرحله پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری شد تا توافق کلی نظر خبرگان نسبت به طبقه‌بندی به دست آید. همچنین روایی پرسشنامه‌ها از طریق اخذ نظرات چند تن از خبرگان مورد تأیید قرار گرفته است. در مرحله اول پس از استخراج مؤلفه‌های استقلال و امنیت، این مؤلفه‌ها در چارچوب پرسشنامه‌ای برای تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌ها در حالت موجود تنظیم شد. این پرسشنامه شامل جدولی است که در سطرها و ستون‌های آن مؤلفه‌های استخراجی درج شده است. برای اینکه بتوان اولویت این اهداف را نسبت به یکدیگر تعیین کرد، تمامی مؤلفه‌های مندرج در سطرها و ستون‌ها توسط هر کارشناس مقایسه و ارزش‌گذاری می‌شود. در مرحله دوم برای تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌ها در حالت مورد انتظار اقدام به تنظیم پرسشنامه‌ای مشابه کرده و از طریق پرسشگری از همان ۲۰ صاحب‌نظر و تجزیه و تحلیل نتایج در چارچوب روش دلفی مهم‌ترین مؤلفه‌ها مشخص شد.

۱-۲. روش دلفی

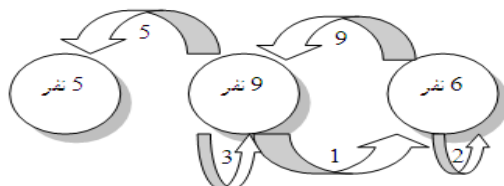
روش دلفی، در عمل مجموعه‌ای از پرسشنامه‌ها یا دوره‌های متوالی به همراه بازخوران کنترل شده‌ای است که تلاش دارد به اتفاق نظر میان یک گروه از افراد متخصص درباره یک موضوع خاص دست یابد. هرچند روش دلفی در ابتدا برای پیش‌بینی به کار برده شد، اما در گردآوری داده‌هایی که به درستی معلوم یا موجود نیستند و یافتن رابطه علی در پدیده اجتماعی و اقتصادی نیز استفاده می‌شوند (Powell, 2003). همچنین در مراحل گوناگون فرایند یک پژوهش می‌توان از این روش استفاده کرد. از جمله این مراحل می‌توان به یافتن دیدگاهی نظری برای پژوهش، انتخاب متغیرها، شناخت اولیه روابط علی میان متغیرها و تعریف سازه‌ها اشاره کرد (Okoli&Pawlowski, 2004: 75-88). این روش

به منظور بررسی نگرش‌ها و قضاوت‌های افراد و گروه‌های متخصص، بدون الزام حضور افراد در محل معینی، با استفاده از پرسشنامه طی چندین مرحله و ایجاد هماهنگی بین دیدگاه‌ها، به جمع‌آوری نظرات این افراد می‌پردازد. در پایان جمع‌بندی، ارزش‌گذاری و تحلیل مجموعه دیدگاه‌ها و نظرات افراد، مبنای هدف‌گذاری، تدوین برنامه و یا تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. روش دلفی راهکاری جهت ایجاد یک فرایند ارتباط گروهی است، به طوری که این فرایند به گروهی که شامل اجزای جداگانه و مستقل است، اجازه می‌دهد در حل مسائل پیچیده شرکت کنند (علی‌احمدی و داعی، ۱۳۷۶: ۳۸۶) و سه ویژگی اصلی دارد: پاسخ بی‌طرفانه به سؤالات (پرسشنامه)، تکرار دفعات ارسال سؤالات (پرسشنامه) و دریافت بازخورد از آنها و تجزیه و تحلیل آماری پاسخ به سؤالات گروهی (آذر و فرجی، ۱۳۸۱: ۴۰).

۲-۲. تشکیل و ترکیب پانل دلفی

روش دلفی با مشارکت افرادی صورت می‌پذیرد که در موضوع پژوهش دارای دانش و تخصص باشند. این افراد با عنوان پانل دلفی شناخته می‌شوند. گزینش افراد واجد شرایط برای پانل دلفی از مهم‌ترین مراحل این روش به حساب می‌آید؛ زیرا اعتبار نتایج کار بستگی به شایستگی و دانش این افراد دارد (Story et al., 2001; Powell, op.cit). یکی از موارد در تشکیل پانل دلفی، تعداد مناسب برای اعضای آن است. در این روش که اعضای پانل باید از متخصصان موضوع پژوهش باشند، محدودیت‌هایی چون امکان دسترسی به افراد، زمان لازم و هزینه گردآوری اطلاعات افزایش می‌یابد. هنگامی که میان اعضای پانل تجانس وجود داشته باشد، حدود ۱۰ تا ۲۰ عضو توجه می‌شود (Story et al., op.cit). بر این اساس اعضای پانل دلفی برای این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی و ترکیبی از روش‌های هدفدار و قضاوتی و زنجیره‌ای برگزیده شدند. در این راستا ابتدا ۶ نفر از افرادی نامزد شدند که پژوهشگران برای مشارکت در این پژوهش مناسب می‌دانستند. پس از تماس با تک تک نامزدها و تعریف موضوع تحقیق و چگونگی انجام کار؛ از این افراد خواسته شد افراد دیگری را معرفی کنند که بر این اساس مناسب مشارکت در این پژوهش باشند. در نهایت ۲۰ تن به عنوان اعضای گروه دلفی در نظر گرفته شدند؛ به این ترتیب که ۶ نفر در مجموع ۱۱ نفر را انتخاب کردند که ۲ نفر از آنها قبلاً در گروه اول وجود داشتند

و ۹ نفر جدید بودند. گروه دوم نیز ۸ نفر را معرفی کردند که ۱ نفر آنها از گروه اول، ۳ نفر از گروه دوم و ۵ نفر دیگر جدید بودند. گروه سوم نیز فرد دیگری را برای مشارکت در گروه دلفی معرفی نکردند.



شکل ۱. چگونگی انتخاب اعضای گروه دلفی با روش‌های قضاوتی و زنجیره‌ای

۳. یافته‌های تحقیق

در مرحله نخست و در پی مصاحبه‌های صورت گرفته با اعضای گروه کانونی مواردی از مؤلفه‌های مربوط به استقلال و امنیت مشخص شد که پس از حذف موارد تکراری مؤلفه‌های باقی مانده مرتب شد که به شرح جدول ۱ است. همچنین نام‌گذاری مؤلفه‌های مطرح شده در این جدول ارائه شده است.

جدول ۱. نام‌گذاری مؤلفه‌های استقلال و امنیت

مؤلفه	کد مؤلفه
استقلال اقتصادی و مالی	O _۱
استقلال سیاسی	O _۲
استقلال اجتماعی	O _۳
استقلال اداری و مدیریتی	O _۴
استقلال علمی، آموزشی و پژوهشی	O _۵
استقلال در جذب دانشجو	O _۶
استقلال در جذب هیئت علمی	O _۷
استقلال در همکاری و مشارکت با دانشگاه‌های خارجی	O _۸
امنیت اقتصادی و مالی	O _۹
امنیت سیاسی	O _{۱۰}
امنیت اجتماعی	O _{۱۱}
امنیت فکری و فردی	O _{۱۲}

تأثیر مؤلفه‌های استقلال و امنیت بر گسترش نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی ۷۵

ادامه جدول ۱.

مؤلفه	کد مؤلفه
امنیت شغلی	O _{۱۳}
امنیت علمی، آموزشی و پژوهشی	O _{۱۴}
امنیت فرهنگی	O _{۱۵}

- نتایج دور اول: در این دور برای دستیابی به اولویت‌بندی مهم‌ترین مؤلفه‌های در حال حاضر و موجود، پس از جمع‌آوری پرسشنامه ۱، وزن نسبی مؤلفه‌های استقلال و امنیت محاسبه شد. مجموعه نظرات کارشناسان و خبرگان به شرح جدول ۲ است. همچنین تلفیق نظرات گروه دلفی در خصوص وزن‌دهی به مؤلفه‌های مربوطه در حالت موجود براساس اولویت به شرح جدول ۳ است.

جدول ۲. نظرات گروه دلفی در مورد مؤلفه‌های مطرح شده در حالت موجود

مؤلفه	نظر عضو ۱	نظر عضو ۲	نظر عضو ۳	نظر عضو ۴	"	نظر عضو ۲۰	جمع امتیازات
O _۱	۰/۰۳۴۵۰	۰/۰۳۷۱۹	۰/۰۲۰۸۹	۰/۰۲۹۴۲	۰/۰۳۲۷۳	۰/۶۲۹۳۴
O _۲	۰/۰۱۴۹۷	۰/۰۱۳۲۵	۰/۰۱۳۰۳	۰/۰۱۴۵۱	۰/۰۱۵۴۸	۰/۳۳۸۱۴
O _۳	۰/۰۱۸۹۹	۰/۰۳۶۴۲	۰/۰۲۷۱۴	۰/۰۱۷۳۸	۰/۰۲۳۶۲	۰/۵۵۵۱
O _۴	۰/۰۳۷۱۲	۰/۰۲۵۴۲	۰/۰۴۱۱۴	۰/۰۳۸۵۲	۰/۰۳۰۸۶	۰/۷۳۹۹۶
O _۵	۰/۰۲۷۳۶	۰/۰۳۷۱۵	۰/۰۲۰۷۵	۰/۰۲۱۷۴	۰/۰۲۵۷۵	۰/۵۳۵۵۷
O _۶	۰/۰۱۸۵۷	۰/۰۱۴۰۱	۰/۰۱۳۰۷	۰/۰۱۹۷۶	۰/۰۱۹۷۶	۰/۳۶۷۰۸
O _۷	۰/۰۱۶۷۲	۰/۰۱۷۴۷	۰/۰۱۶۳۵	۰/۰۱۳۵۴	۰/۰۱۴۷۹	۰/۳۲۰۵۶
O _۸	۰/۰۱۲۸۳	۰/۰۱۳۴۱	۰/۰۱۲۹۵	۰/۰۱۳۰۸	۰/۰۲۴۷۹	۰/۳۶۵۹۳
O _۹	۰/۰۱۷۳۶	۰/۰۲۴۵۶	۰/۰۱۹۷۴	۰/۰۱۸۵۵	۰/۰۱۹۹۸	۰/۴۷۴۰
O _{۱۰}	۰/۰۱۴۷۳	۰/۰۱۲۵۲	۰/۰۱۷۳۱	۰/۰۱۹۰۴	۰/۰۱۳۱۸	۰/۳۱۵۷۸
O _{۱۱}	۰/۰۲۴۹۳	۰/۰۲۶۲۳	۰/۰۱۶۷۲	۰/۰۳۸۱۲	۰/۰۲۸۱۰	۰/۴۹۹۵۱
O _{۱۲}	۰/۰۲۰۶۱	۰/۰۲۱۷۴	۰/۰۱۸۴۷	۰/۰۱۸۸۳	۰/۰۱۹۵۲	۰/۴۱۵۱۲
O _{۱۳}	۰/۰۴۸۳۲	۰/۰۳۷۶۲	۰/۰۴۲۴۷	۰/۰۲۹۴۳	۰/۰۳۴۱۲	۰/۷۳۴۷۶
O _{۱۴}	۰/۰۳۷۴۲	۰/۰۲۵۱۷	۰/۰۲۶۱۴	۰/۰۴۵۱۹	۰/۰۲۰۶۱	۰/۵۵۵۴۷
O _{۱۵}	۰/۰۲۱۱۴	۰/۰۲۷۳۱	۰/۰۱۹۳۲	۰/۰۲۴۱۷	۰/۰۱۹۸۳	۰/۴۷۸۸۴

جدول ۳. تلفیق نظرات گروه دلفی در خصوص وزن دهی به مؤلفه‌ها در حالت موجود بر اساس اولویت

ردیف	کد مؤلفه	مؤلفه	جمع امتیازات	وزن نهایی
۱	O _۴	استقلال اداری و مدیریتی	۰/۷۳۹۹۶	۰/۱۰۱۰۲
۲	O _{۱۳}	امنیت شغلی	۰/۷۳۴۸۶	۰/۱۰۰۳۲۴
۳	O _۱	استقلال اقتصادی و مالی	۰/۶۲۹۳۴	۰/۰۸۵۱۹
۴	O _{۱۴}	امنیت علمی، آموزشی و پژوهشی	۰/۵۵۵۴۷	۰/۰۷۵۸۳
۵	O _۳	استقلال اجتماعی	۰/۵۵۵۱	۰/۰۷۵۷۸
۶	O _۵	استقلال علمی، آموزشی و پژوهشی	۰/۵۳۵۵۷	۰/۰۷۳۱۲
۷	O _{۱۱}	امنیت اجتماعی	۰/۴۹۹۵۱	۰/۰۶۸۱۹
۸	O _{۱۵}	امنیت فرهنگی	۰/۴۷۸۴۴	۰/۰۶۵۳۲
۹	O _۹	امنیت اقتصادی و مالی	۰/۴۷۴۰	۰/۰۶۴۷۱
۱۰	O _{۱۲}	امنیت فکری و فردی	۰/۴۱۵۱۲	۰/۰۵۶۶۷
۱۱	O _۶	استقلال در جذب دانشجو	۰/۳۶۷۰۸	۰/۰۵۰۱۲
۱۲	O _۸	استقلال در همکاری و مشارکت با دانشگاه‌های خارجی	۰/۳۶۵۹۳	۰/۰۴۹۹۶
۱۳	O _۲	استقلال سیاسی	۰/۳۳۸۱۴	۰/۰۴۶۱۶
۱۴	O _۷	استقلال در جذب هیئت علمی	۰/۳۲۰۵۶	۰/۰۴۳۷۶
۱۵	O _{۱۰}	استقلال سیاسی	۰/۳۱۵۷۸	۰/۰۴۳۱۱

– نتایج دور دوم: در این دور برای دستیابی به اولویت‌بندی مهم‌ترین مؤلفه‌ها در حالت مطلوب و مورد نظر، پس از جمع‌آوری پرسشنامه، وزن نسبی مؤلفه‌های استقلال و امنیت محاسبه شد. مجموعه نظرات کارشناسان و خبرگان به شرح جدول ۴ است. همچنین تلفیق نظرات گروه دلفی در خصوص وزن دهی به مؤلفه‌های مربوطه در حالت مطلوب براساس اولویت به شرح جدول ۵ است.

تأثیر مؤلفه‌های استقلال و امنیت بر گسترش نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی ۷۷

جدول ۴. نظرات گروه دلفی در مورد مؤلفه‌های مطرح شده در حال مورد نظر و مطلوب

مؤلفه	نظر عضو ۱	نظر عضو ۲	نظر عضو ۳	نظر عضو ۴	"	نظر عضو ۲۰	جمع امتیازات
O _۱	۰/۱۰۹۲۱	۰/۰۹۷۵۶	۰/۰۹۳۹۰	۰/۱۰۹۲۱	۰/۰۱۱۰۷	۱/۷۷۰۲۵۱
O _۲	۰/۰۳۷۴۱	۰/۰۴۹۵۷	۰/۰۳۳۳۱	۰/۰۴۹۱۷	۰/۰۲۴۸۵	۰/۰۹۰۲۶۲
O _۳	۰/۰۱۷۳۶	۰/۰۲۴۵۶	۰/۰۳۸۳۷	۰/۰۱۹۷۴	۰/۰۳۱۹۴	۰/۰۶۶۱۵۱
O _۴	۰/۰۱۷۳۶	۰/۰۲۰۶۱	۰/۰۳۹۴۷	۰/۰۱۰۰۹	۰/۰۱۸۵۷	۰/۰۴۵۳۹۰
O _۵	۰/۰۸۸۳۲	۰/۰۸۱۲۱	۰/۰۷۸۶۱	۰/۰۸۲۱۴	۰/۰۷۳۷۰	۱/۰۶۴۵۸۶
O _۶	۰/۰۵۸۴۵	۰/۰۴۰۱۹	۰/۰۲۷۸۰	۰/۰۵۸۲۲	۰/۰۳۸۹۷	۱/۰۴۳۵۹
O _۷	۰/۱۰۰۹۰	۰/۰۸۹۱۵	۰/۰۵۳۹۰	۰/۰۴۵۶۵	۰/۰۷۴۶۸	۱/۵۲۷۵۵
O _۸	۰/۰۶۷۲۸	۰/۰۷۴۷۴	۰/۰۶۴۷۲	۰/۰۶۱۷۲	۰/۰۵۸۱۸	۱/۲۹۰۷۵
O _۹	۰/۰۹۳۰۹	۰/۰۷۳۸۰	۰/۰۶۴۷۲	۰/۰۶۳۰۸	۰/۰۶۷۱۵	۱/۵۹۲۳۱
O _{۱۰}	۰/۰۳۷۱۲	۰/۰۱۲۹۲	۰/۰۲۷۳۲	۰/۰۳۵۷۱	۰/۰۲۶۱۶	۰/۷۷۷۹۷
O _{۱۱}	۰/۰۱۸۱۳	۰/۰۱۲۶۹	۰/۰۱۵۲۸	۰/۰۱۲۰۴	۰/۰۲۱۱۳	۰/۳۴۱۸۶
O _{۱۲}	۰/۰۵۷۲۵	۰/۰۴۷۳۱	۰/۰۴۶۵۷	۰/۰۴۲۳۱	۰/۰۴۸۴۹	۰/۰۴۷۶۹
O _{۱۳}	۰/۰۲۵۲۴	۰/۰۲۹۸۲	۰/۰۲۴۵۶	۰/۰۳۸۱۲	۰/۰۲۴۷۳	۰/۵۲۵۵۵
O _{۱۴}	۰/۰۳۷۱۲	۰/۰۲۱۷۱	۰/۰۴۴۲۲	۰/۰۵۲۵۱	۰/۰۵۷۱۴	۰/۸۳۷۹۵
O _{۱۵}	۰/۰۴۹۲۲	۰/۰۱۰۹۴	۰/۰۳۷۱۷	۰/۰۲۴۶۵	۰/۰۴۷۱۷	۰/۸۹۷۴۲

جدول ۵. تلفیق نظرات گروه دلفی در خصوص وزن دهی به مؤلفه‌ها در حالت مطلوب بر اساس اولویت

ردیف	کد مؤلفه	مؤلفه	جمع امتیازات	وزن نهایی
۱	O _۱	استقلال اقتصادی و مالی	۱/۷۷۰۲۵۱	۰/۱۱۵۵۷۵
۲	O _۵	استقلال علمی، آموزشی و پژوهشی	۱/۰۶۴۵۸۴	۰/۱۰۷۴۵
۳	O _۹	امنیت اقتصادی و مالی	۱/۵۹۲۳۱	۰/۱۰۳۹۵۸
۴	O _۷	استقلال در جذب هیئت علمی	۰/۵۲۷۵۵	۰/۰۹۹۷۳
۵	O _۸	استقلال و همکاری در مشارکت با دانشگاه‌های خارجی	۰/۲۹۰۷۵	۰/۰۸۴۲۷۰
۶	O _{۱۲}	امنیت فکری و فردی	۱/۰۴۷۶۹	۰/۰۶۸۴۰
۷	O _۶	استقلال در جذب دانشجو	۱/۰۴۳۵۹	۰/۰۶۸۱۳
۸	O _۲	استقلال سیاسی	۰/۰۹۰۲۶۲	۰/۰۵۸۹۳
۹	O _{۱۵}	امنیت فرهنگی	۰/۸۹۷۴۲	۰/۰۵۸۵۹۱
۱۰	O _{۱۴}	امنیت علمی، آموزشی و پژوهشی	۰/۸۳۷۹۵	۰/۰۵۴۷۱
۱۱	O _{۱۰}	امنیت سیاسی	۰/۷۷۷۹۷	۰/۰۵۰۷۹۲

ادامه جدول ۵.

ردیف	کد مؤلفه	مؤلفه	جمع امتیازات	وزن نهایی
۱۲	O _۳	استقلال اجتماعی	۰/۶۶۱۵۱	۰/۰۴۳۱۹
۱۳	O _{۱۳}	امنیت شغلی	۰/۵۲۵۵۵	۰/۰۳۴۳۱۲
۱۴	O _۴	استقلال اداری و مدیریتی	۰/۴۵۳۹۰	۰/۰۲۹۶۳۴
۱۵	O _{۱۱}	امنیت اجتماعی	۰/۳۴۱۸۶	۰/۰۲۲۳۲

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برنامه خصوصی‌سازی سال‌هاست که در آموزش عالی کشورمان مورد توجه قرار گرفته و هم‌اکنون درصد زیادی از دانشجویان در مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی، دوره‌های شبانه و نیز در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل هستند. بررسی‌ها بیانگر این موضوع است که شیوه جذب دانشجوی، آموزش رایگان و یا آموزش پولی صرفاً موضوعی اقتصادی نبوده و دارای تبعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز پیامدهایی در حوزه فناوری است.

آموزش عالی با روند توسعه کشور مرتبط بوده و نقصان و حرکت بی‌برنامه در آن، حرکت توسعه کشور را متأثر و بر روند حضور منابع انسانی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار است؛ به عنوان مثال جذب دانشجوی با عنوان دوره‌های شبانه در دانشگاه‌های با رتبه بالا، همواره با تنش‌هایی همراه بوده است. به نظر نگارندگان تحقیق، نوع اداره دانشگاه‌ها به شیوه خصوصی و دولتی، ساختارها و اهداف متفاوتی را می‌طلبد. روش‌های اداره خصوصی در محیط‌های دولتی نه تنها موجب ضعیف شدن نهادهای خصوصی آموزش عالی خواهد شد، بلکه کارایی سیستم‌های دولتی را دچار مشکل کرده و نوعی دوگانگی در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی و اداره دانشگاه‌ها را به دنبال خواهد داشت. از این رو سوق دادن امر خصوصی‌سازی در دانشگاه‌هایی که به همین منظور ایجاد شده‌اند امری منطقی است. این گونه مراکز می‌توانند با حمایت و برنامه‌ریزی، ضمن رشد خود در یک حالت رقابتی، زمینه‌ساز رشد مراکز آموزش عالی دولتی نیز شوند و این در حالی است که به نظر می‌رسد ادامه وضع موجود موجب تنش و سردرگمی در هر دو سیستم خواهد بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که سردرگمی اعضای علمی و سرمایه‌گذاران فعال بخش خصوصی آموزش عالی، در عمل تدوین یک چشم‌انداز نسبتاً واقعی را برای آنها غیرممکن ساخته است؛ همچنین تغییرات ناشی از تغییرات مدیریتی، سلاقی مدیران و

عدم درک مشترک از فعالیت خصوصی در آموزش عالی را از جمله نگرانی‌های جدی قلمداد کردند. به علاوه سیاست‌های جدید آموزش عالی در بخش‌های دانشگاه پیام نور و شبانه دولتی و نیز دانشگاه آزاد و نامعلوم بودن این روند نوعی انحصارگرایی در بخش آموزش عالی خصوصی و گسترش تصدی‌گری توسط دولت را به دنبال داشته است. این پژوهش اثرات مؤلفه‌های استقلال و امنیت بر توسعه نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی مورد بررسی قرار داده است. پس از استخراج مؤلفه‌های موجود، در مرحله اول نظر متخصصان در مورد وضع موجود مؤلفه‌ها مورد پرسش قرار گرفته و در مرحله دوم دلفی وضع مورد انتظار سنجیده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که از نظر اعضای پانل دلفی، مؤلفه‌هایی چون «استقلال اداری و مدیریتی»، «امنیت شغلی»، «استقلال مالی و اقتصادی»، «امنیت علمی» و «استقلال اجتماعی» در حال حاضر از جایگاه بهتری نسبت به سایر مؤلفه‌های مطرح شده در نظام آموزش عالی خصوصی برخوردارند و این در حالی است که مواردی چون «استقلال و امنیت سیاسی» و «استقلال در جذب هیئت علمی» پایین‌ترین رتبه و نامناسب‌ترین وضعیت را دارند. همچنین تحلیل پرسشنامه جمع‌آوری شده و بررسی جایگاه مورد نظر و مطلوب مؤلفه‌ها از دیدگاه اعضای گروه دلفی نشان‌دهنده تأثیر بسیار زیاد «استقلال مالی و اقتصادی»، «استقلال علمی»، «امنیت مالی و اقتصادی»، «استقلال در جذب هیئت علمی» و «استقلال در همکاری و مشارکت با دانشگاه‌های خارجی» بر توسعه نظام آموزش عالی خصوصی و غیردولتی در کشور است. از سویی به نظر می‌رسد «امنیت شغلی»، «استقلال اداری و مدیریتی» و «امنیت اجتماعی» کمترین تأثیر را از نظر اعضای جامعه آماری دارند.

- استقلال اقتصادی و مالی: یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی و مالی می‌تواند تأثیر بسیاری بر روند توسعه نظام آموزش عالی خصوصی داشته باشد. در پاسخ به چرایی این نتیجه به نظر می‌رسد مسائل اقتصادی دانشگاه‌های غیردولتی در سال‌های اخیر از وضع نامناسبی برخوردار بوده و سیاست آموزشی وزارت علوم در پذیرش دانشجو به طور گسترده در دانشگاه‌هایی چون پیام نور باعث کاهش درآمد و مشکل‌زا شدن در مسائل اقتصادی آنها شده است. با توجه به اینکه بنیانگذاران و مؤسسان مراکز آموزش عالی خصوصی برای خود اهداف اقتصادی نیز متصور هستند؛ این استقلال به طور طبیعی بسیار مهم تلقی می‌شود. در این میان یکی از

مشکلات فعلی، اساسنامه تیپ مؤسسه‌های آموزش عالی غیرانتفاعی است که به نوعی نامعلوم بودن وضعیت مالکیت و سرمایه‌گذاری در این نوع مراکز را رقم زده است و معمولاً این مؤسسات از مسیرهایی شبه قانونی مانند خرید املاک و دادن اجاره، تقسیم سود با عنوان حق مدیریت و سایر مواردی از این قبیل، تضمین منافع اقتصادی خود را دنبال می‌کند. همچنین عدم وجود قوانین مناسب با سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی سبب شده گرایش زیادی به سرمایه‌گذاری در این بخش وجود نداشته باشد. از سویی دیگر شواهد نشان می‌دهد: تمرکزگرایی زیاد دولتی و کنترل‌های غیرضروری می‌تواند سبب کاهش انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در این بخش شود. چنانچه وزارت علوم بیشتر بر جنبه‌های آموزشی و پژوهشی تمرکز کرده و تضمین آن را پیگیری کند و از نحوه و شیوه اداره امور به شکل فعلی، صرف نظر کند، می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاران را افزایش دهد.

- استقلال سیاسی: مطالعات نگارندگان (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱) نشان می‌دهد، دانشجویانی که شهریه می‌پردازند، اساساً فعالیت‌های دگراندیشانه کمتری نسبت به سایر دانشجویان دارند. حتی در دانشگاه‌هایی چون دانشگاه پیام نور، یک شکل سیاسی دیده نمی‌شود. همچنین پیمایش ما نشان می‌دهد: فعالیت در عرصه آموزش عالی کشورمان فاقد فضای رقابتی مناسب است و شرایط به گونه‌ای است که دولت خود به عنوان یک رقیب اصلی برای بخش خصوصی عمل کرده و قدرت رقابت را از بخش خصوصی سلب می‌کند. برای مثال دانشگاه آزاد نمی‌تواند یک دانشگاه خصوصی تلقی شود. پیام نور یک دانشگاه دولتی است که به صورت خصوصی عمل می‌کند، از طرف دیگر شبانه شدن دانشگاه‌های دولتی و همین‌طور گرفتن دانشجو در مؤسسات غیرانتفاعی وابسته به شرکت‌های دولتی و به‌طور کلی نظارت گسترده و یا جزئی وزارت علوم بر سایر مؤسسات غیر انتفاعی تأییدی است بر این مسئله که خود دولت رقیب اصلی برای بخش خصوصی است. در همین راستا نظرهای اخذ شده از جامعه آماری تحقیق نشان می‌دهد که اعمال نفوذ افراد و وابستگان به دولت - در همه دولت‌ها - برای گرفتن مجوز خود به نوعی سبب غیررقابتی شدن فعالیت‌ها در این بخش می‌شود.

- استقلال اجتماعی: با توجه به اینکه فعالیت‌های اجتماعی در ایران محدودیت زیادی نداشته و حساسیت‌ها بیشتر متوجه فعالیت‌های سیاسی است، وضع موجود دانشگاه‌ها در این

مورد متوسط به دست آمده است. وجود برخی سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌های علمی در مراکز آموزش عالی خصوصی موجب ارزیابی این مؤلفه در حد متوسط شده است.

- استقلال علمی، آموزشی و پژوهشی: چنانکه در چارچوب نظری مطالعه عنوان شد، جنبه مهم دیگر استقلال، آزادی آموزشی است. آزادی آموزشی را اغلب به حق هریک از اعضای هیئت علمی هر نهاد آموزشی به برخورداری از آزادی مطالعه، پژوهش، بیان افکار، انتقال فکرها و بیان آن چیزی که آن را حقیقت می‌دانند، تعریف می‌کنند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸: ۸۴). بنا به نظرات اخذ شده از جامعه آماری، این نوع استقلال از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود سرفصل‌های آموزشی مصوب و ابلاغی، عدم امکان تماس‌های بین‌المللی و فعالیت‌های مشترک علمی پژوهشی با دانشگاه‌های خارجی، به پایین آمدن استقلال علمی در این مراکز منجر شده و در حال حاضر نیز هیچ نوع انعطافی در سرفصل‌ها و موضوعات مصوب آموزشی نمی‌تواند صورت پذیرد.

- استقلال در جذب دانشجو: بنا بر اظهار فعالان مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی جذب دانشجو عامل ادامه حیات این مؤسسات محسوب می‌شود، بنابراین جامعه آماری در مجموع اهمیت این مؤلفه را زیاد و وضع فعلی را نامناسب اعلام کرده‌اند. با توجه به اینکه در حال حاضر تعداد دانشجویان این مراکز از طریق سازمان سنجش مشخص می‌شوند، با سیاست‌های فعلی مبنی بر جذب دانشجویان بدون کنکور در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور و احتمال تسری آن به دانشگاه‌های دولتی، اکثر مؤسسات غیرانتفاعی، غیراقتصادی محسوب شده و از گردونه آموزش عالی خارج خواهند شد. این در حالی است که هیچ نوع استقلالی در جذب دانشجو به این مؤسسه‌ها داده نمی‌شود و امکان رقابت برای جذب دانشجو از آنها سلب شده و مراکز دولتی مانند دانشگاه پیام نور و شبه دولتی مانند دانشگاه آزاد اسلامی در رقابت نابرابر دانشجویان را جذب و امکان رقابت را از این مؤسسه‌ها سلب می‌کنند، از این رو پیش‌بینی اکثر فعالان در حوزه مؤسسات غیرانتفاعی تعطیلی تدریجی این مراکز است.

- استقلال در جذب هیئت علمی: یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر این مؤلفه در توسعه نظام آموزش عالی خصوصی بسیار زیاد و وضع فعلی نیز نامناسب ارزیابی شده است. در حال حاضر نظام جذب متمرکز هیئت علمی و استانداردهای وزارت علوم

در مورد نسبت اعضای علمی به دانشجو، قدرت انعطاف را از این مؤسسه‌ها سلب کرده است. از طرفی توسعه و بهسازی هیئت‌های علمی در دانشگاه‌های خصوصی به مراتب پایین‌تر و ضعیف‌تر از دانشگاه‌های دولتی است. شرایط کاری اساتید در بخش خصوصی تأثیری منفی بر نوآوری در تدریس و انعطاف‌پذیری در آموزش عالی دارد، به‌طور کلی اساتید در این مراکز دستمزدهای پایینی دریافت می‌کنند و به‌دلیل توجیه اقتصادی بیشتر از اساتید مدعو دانشگاه‌های دولتی استفاده می‌شود.

- استقلال در همکاری و مشارکت با دانشگاه‌های خارجی: اهمیت این مؤلفه در توسعه بخش خصوصی و غیردولتی بسیار زیاد و وضع موجود نامناسب ارزیابی شده است. آیین‌نامه‌ها و مقررات وزارت علوم و وزارت بهداشت هرگونه مشارکت با دانشگاه‌های خارجی را عملاً منتفی ساخته است. بنا بر اظهار فعالان در مؤسسات غیرانتفاعی یکی از راه‌های افزایش درآمد و امکان رقابت، دادن استقلال در همکاری و مشارکت با دانشگاه‌های خارجی به دانشگاه‌های غیردولتی است که به نوعی موجب ارتقای دانشگاه‌های داخلی و عدم خروج دانشجویان از کشور خواهد شد.

- استقلال اداری و مدیریتی: به اعتقاد کایلود، تمرکززدایی یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که در طول ۱۵ سال اخیر تأثیرات چشمگیری بر برنامه‌ریزی آموزشی داشته است. سؤالانی از قبیل اینکه چه کسی واقعاً باید راجع به تحصیل و آموزش عمومی تصمیم‌گیری کند و یا اینکه چه کسی باید هزینه آن را پردازد، موضوع بحث‌های داغی در این زمینه است (Welesh & Mc Ginn, 2000). از دیدگاه جامعه آماری تحقیق، این استقلال در حال حاضر به‌طور نسبی وجود دارد. دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیرانتفاعی در شیوه‌های پرداخت و یا جذب و استخدام اساتید تابع وزارت علوم هستند و این در حالی است که دانشگاه آزاد متفاوت بوده و در این موارد مستقل عمل می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که در امور جاری و نوع هزینه‌های اداری، جذب کارمند و مواردی دیگر دانشگاه‌های بخش خصوصی در این مؤلفه مستقل هستند، اما در مسائل کلانی چون نحوه جذب اساتید چنین استقلال‌هایی موجود نیست.

- امنیت اقتصادی و مالی: از نظر جامعه آماری میزان اهمیت این مؤلفه بسیار زیاد و وضع فعلی آن نامناسب ارزیابی شده است. قوانین و مقررات موجود برای مؤسسات غیرانتفاعی، به رسمیت نشناختن مالکیت و حق سهم تأمین‌کنندگان، عملاً امنیت اقتصادی و

مالی را در این مراکز تنزل داده است و با توجه به این که سرمایه‌گذاری مالی مستلزم ایجاد فضایی امن است، فقدان امنیت مالی تأثیر زیادی بر عدم گسترش مراکز آموزشی غیردولتی در حال حاضر دارد. به عنوان مثال یک بند در اساسنامه «تیپ» که تمام مؤسسات ملزم به اجرای آن هستند؛ تعیین تکلیف اموال پس از انحلال مؤسسات است که بر اساس آن در صورتی که سرمایه‌گذاران در زمان تأسیس و بعد از آن اموالی را برای مؤسسه آورده باشند، موظفند در صورت انحلال مؤسساتشان، تمامی اموال را به وزارت علوم بسپارند و این مسئله به نوعی احساس امنیت را از سرمایه‌گذاران سلب می‌کند.

- امنیت اجتماعی: به نظر می‌رسد امنیت اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی تحت سیطره امنیت سیاسی و فضای سیاسی سبب نامناسب بودن وضعیت آن شده و این در حالی است که افزایش امنیت اجتماعی موجب شکل‌گیری اتحادیه‌های قوی از مؤسسان مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی است که این تشکل‌ها می‌توانند در تثبیت وضعیت این نوع دانشگاه‌ها مؤثر واقع شوند.

- امنیت فرهنگی: بنا بر یافته‌های تحقیق و اظهارات اعضای جامعه آماری در مجموع اهمیت این مؤلفه زیاد و وضع فعلی نامناسب است. با توجه به حساسیت‌های فرهنگی به‌خصوص در محیط‌های آموزش عالی و فقدان برنامه‌های فرهنگی مناسب در کنار کنترل‌های زیاد، در مورد این وضعیت تفاوت‌چندانی میان دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی دیده نمی‌شود. در حال حاضر بیشتر فعالیت‌های فرهنگی به‌علت داشتن بار مالی در مؤسسه‌های غیرانتفاعی وضعیت مناسبی نداشته و محدود بودن فعالیت‌های فرهنگی در چارچوب‌های مشخص شده از انعطاف در برنامه‌ها کاسته است.

- امنیت فکری و فردی: اهمیت این مؤلفه بسیار زیاد و وضعیت فعلی آن نامناسب ارزیابی شده است. به نظر می‌رسد بی‌ثباتی در تصمیم‌های دولتی، جابجایی مدیران وزارتخانه‌های ذی‌ربط و آیین‌نامه‌های متعدد شورای عالی انقلاب فرهنگی در مجموع نوعی احساس ناامنی در فعالیت‌های علمی و اجتماعی را در دانشگاه‌های غیردولتی به وجود آورده است. از سویی عدم احساس امنیت برای بحث و ارائه دیدگاه‌ها در فعالیت‌های فرهنگی و حتی در فعالیت‌های پژوهشی موجب فقدان سرمایه‌گذاری لازم و مشارکت افراد در چنین مراکزی شده است.

- امنیت علمی، آموزشی و پژوهشی: تأثیر این مؤلفه از دیدگاه پانل دلفی در حد

متوسط ارزیابی شده و این در حالی است که این مؤلفه در وضع موجود رتبه‌ای نزدیک به میانگین را کسب کرده است. داشتن فضای آزاد علمی و داشتن فضای آزاد آموزشی و پژوهشی به خصوص در حوزه‌های علوم انسانی می‌تواند بر ارتقای مراکز آموزش عالی غیردولتی تأثیر گذاشته و از این طریق بر توسعه آنها در جذب دانشجو و در نهایت توسعه این دانشگاه‌ها مؤثر واقع شود.

- امنیت شغلی: براساس یافته‌ها، تأثیر این مؤلفه در حد بالایی قرار دارد و وضعیت موجود متوسط ارزیابی شده است. مراحل مختلف تبدیل وضعیت‌ها و تأییدهایی که در هر مرحله از سوی وزارت علوم صورت می‌گیرد، نوعی احساس ناامنی را در دانشگاه‌ها تسری بخشیده است. از طرفی با توجه به ضعف مالی موجود در مؤسسات غیرانتفاعی متأسفانه این ضعف و در تعدادی از آنها عدم کسب درآمد منجر به نوعی عدم امنیت شغلی در چنین مراکزی شده است.

۵. ارائه پیشنهادهای کاربردی

- برای رفع و یا کاهش مشکلات موجود و کمک به توسعه نظام آموزش عالی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:
- با توجه به ابهام موجود بین سهامدار و سرمایه‌گذار، رفع این ابهام ضروری است؛
 - انجام سیاست‌گذاری‌های جدید در مورد فعالیت بخش خصوصی با ملاحظه استقلال و امنیت در دانشگاه‌ها؛
 - افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه‌گذار؛
 - باثبات کردن قوانین و تضمین قانونی دولت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
 - تصور ایجاد شده از مؤسسه غیرانتفاعی یک مؤسسه غیرسودآور است و این انگیزه سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. تغییر این نگرش می‌تواند راهکاری در جهت حل مشکلات موجود باشد؛
 - تدوین و اجرای قوانین حمایتی، امنیت لازم و زمینه مساعد برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی؛
 - رسیدگی به فوریت‌های حقوقی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور؛
 - دائمی کردن مفاد ماده ۴۹ (استقلال و خودگردانی دانشگاه‌ها)؛
 - اجرای برنامه‌ها و اقدامات زیربنایی اقتصادی کشور، مانند اصلاح بازارهای تأمین

- بودجه (به‌ویژه از راه ترغیب افزایش مشارکت مردمی و کمک‌های خیرین)، اصلاح بازار کار (به‌ویژه با تأکید بر ارائه آموزش‌هایی که به اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها منتهی می‌شود) و رفع موانع و محدودیت‌های تجاری (اعمال معافیت مالیاتی و ارائه تسهیلات بانکی به دانشگاه‌های خصوصی)؛
- اصلاح اساسنامه «تیپ» دانشگاه‌ها به نحوی که تعیین تکلیف اموال مشخص بوده و به نحوی باشد که به خود سرمایه‌گذار برگردد؛
 - انجام تبلیغات گسترده در سایر کشورها، جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد تفاهم‌نامه در زمینه اعزام اساتید به کشورهای چوون کشورهای همجوار و یا آمریکای لاتین؛
 - ایجاد بسترهای مناسب جهت ایجاد شرکت‌های دانشگاهی (یا بنگاه‌های دانشگاهی) به منظور افزایش ارتباط دانشگاه با صنعت و افزایش درآمد دانشگاه‌ها و کاربرد کردن نتایج تحقیقات دانشگاهی و افزایش استقلال دانشگاه‌ها. البته این امر نیازمند برنامه‌ریزی دقیقی است که مانع از خدشه وارد شدن به رسالت اصلی دانشگاه‌ها شود؛
 - استفاده دولت از اهرم‌های نظارتی به منظور ایجاد رقابت میان دانشگاه‌های خصوصی و یا مستقل؛
 - ارزیابی کیفیت آموزشی و اعتبار سنجی تمام مراکز خصوصی و تمام برنامه‌ها و مدارک توسط دولت؛
 - انعطاف‌پذیر کردن شیوه‌های آموزشی در مؤسسات خصوصی؛
 - کاربردی کردن فعالیت‌های مؤسسات خصوصی به نحوی که بیشتر افراد صاحب‌نظر و متخصص تولید کنند و نه فقط افراد دارای مدرک؛
 - کنترل کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های خصوصی؛
 - یافتن معیارهای اصولی و قابل اطمینان برای اعطای اعتبارات آموزشی و پژوهشی و سایر امکانات به مراکز خصوصی؛
 - اطمینان از وجود حداقل معیارها و موازین معتبر علمی در امر آموزش و پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و ایجاد انگیزه برای درون‌جوشی دانشگاه‌ها در ارتقای معیارها؛

- ایجاد یک نظام پایش و نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش عالی در تمامی مؤسسات (اعم از دولتی و خصوصی)؛
- تشکیل تیم‌های مستقل و آزاد که بتوانند بررسی کیفی دانشگاه‌های خصوصی را به درستی انجام دهند؛
- تقویت ستاد تحول اداری وزارتخانه در راستای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴۹؛
- ایجاد تفکر و بینش لازم برای گسترش آموزش عالی خصوصی در بین سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران کلان اجرایی آموزش عالی؛
- ایجاد کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای روسا و مدیران دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی تقویت دیدگاه مدیران نظام آموزش عالی کشور در خصوص استقلال دانشگاه‌ها؛
- آگاه کردن افراد از هزینه‌های آموزش عالی و بازگشت سرمایه آنها؛
- ایجاد بسترهای مناسب اجتماعی جهت انتقال واحدهای آموزشی دولتی به بخش خصوصی در محیط رقابتی سالم و به دور از دخالت‌های دولت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آذر، عادل و حجت فرجی (۱۳۸۱). علم مدیریت فازی، تهران: اجتماع.
۲. آراسته، حمیدرضا و توران اسفندیاری (۱۳۸۹). «خصوصی سازی در آموزش عالی»، فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱.
۳. پسندیده، محمدمهدی (۱۳۸۵). «جامعه دانایی محور اساس تحقق توسعه کشور»، مجموعه مقالات همایش سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۴. جانستون، بروس (۱۳۸۳). خصوصی سازی آموزش عالی، ترجمه حمیدرضا آراسته، دایرةالمعارف آموزش عالی انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۵. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). «بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق آن»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳: ۱۰۶-۷۹.
۶. ربیعی، علی (۱۳۸۶). معمای دولت مدنی در جهان سوم، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۷. ربیعی، علی و زهرا نظریان (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر در سیاست گذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۱: ۲۷۶-۲۴۷.
۸. ربیعی، علی و زهرا نظریان (۱۳۹۱). «موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن‌ها»، فصلنامه آموزش عالی، سال چهارم، شماره دوم: ۲۰۶-۱۷۱.
۹. رحمان سرشت، حسین و امیر احمد اصفهانی (۱۳۸۰). «اخلاق؛ جزء نادیده گرفته شده سیاست‌های آتی آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۷، شماره ۲: ۱۲۶-۱۰۳.
۱۰. رحمانی میاندهی، غلامرضا و زهرا نصرآبادی لواسانی (۱۳۸۰). «استقلال دانشگاه در آینده»، ترجمه علی حسن نفرآبادی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰: ۱۰۲-۶۵.
۱۱. عزتی، میترا و ابوالقاسم نادری (۱۳۸۸). «تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزشی دانشگاهی، مطالعه موردی: دانشگاه تهران»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲: ۵۴-۲۳.
۱۲. علی احمدی، علیرضا و بهیار داعی (۱۳۷۶). «کاربرد روش دلفی در تعیین اولویت اهداف استراتژیک سازمان‌ها»، مجموعه مقالات پنجمین همایش دانشجویی مهندسی صنایع، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۳. عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۸). «تأمین مالی آموزش عالی جایگاه دولت و بخش خصوصی»، مجموعه مقالات همایش رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: ۱۲۲-۹۵.

۱۴. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۲). مقایسه شش الگوی دانشگاهی و نظام آموزش عالی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۵. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). «استقلال دانشگاهی، تحولات مفهومی و چالش‌های جهانی آن با مروری بر تاریخچه آن در ایران»، مجموعه مقالات همایش رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: ۳۹۴-۳۶۱.
۱۶. فیوضات، یحیی (۱۳۸۲). نقش دانشگاه در توسعه ملی، تهران: نشر ارسباران.
۱۷. قاجارگر، مرتضی (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر خصوصی‌سازی نظام آموزش و پرورش در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
۱۸. قانع‌راد، محمد امین (۱۳۸۳). تعاملات ارتباطات در جامعه علمی. بررسی موردی در رشته علوم اجتماعی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. معین، مصطفی (۱۳۸۳). «استقلال دانشگاه، توسعه علمی کشور و اغتنام فرصت‌ها»، مجموعه مقالات اولین همایش روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی: ۲۳-۷.
۲۰. مهرگان، محمدرضا و محمود دهقان نیری (۱۳۸۸). «مدل راهبردی ارزیابی مؤسسات آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲: ۷۹-۵۵.
۲۱. هاشم‌نیا، شهرام، مصطفی عمادزاده، سعید صمدی و پرویز ساکتی (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای اختصاصی تحقیقات دانشگاهی در دانشگاه‌های صنعتی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۵، شماره ۲: ۲۱-۱.
۲۲. هاشمی، شهناز و زهرا رضایی (۱۳۸۷). نقش دانشگاه آزاد اسلامی در امنیت ملی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

ب) منابع لاتین

1. Abel, R. L., Humes, L., Mattson, M., Riley, C. Smyth (2007). Achieving Learning Impact 2007, August, Retrieved from [http://www.imsgekbal.org/learning impact 2007/li 2007report.cfm](http://www.imsgekbal.org/learning%20impact%202007/li2007report.cfm).
2. Barr, N., Crawford, I. (2005). Financing Higher Education, Routledge press .
3. Becher, T., Trowler, P. R. (2001). Acadmic Tribes and Territories, The society for research in higher education. second edition. UK: upon university, Bachingham.
4. Becker, W. E., Priest, D., Hossler, D., John, E. P. (2007). Incentive – based budgeting systems in public university, Edward Ekgar Pub .
5. Bilgin, P. (2003). "Individual and Societal Dimension of Security", International studies review, 5 (2):203-222.
6. Bistang, C. R (2005). Mobilization the Private Sector for Public Education, J. F. Kennedy school of government, Harvard, Massachusetts.
7. Delamini, C. R. M. (2006). Academic Freedom and the Autonomy of Tertiary Institutions, Retrieved from [http://www. General. Ac. Za/](http://www.General.Ac.Za/) .

8. http://www.irunesco.org/index.php?option=com_content&view=article&id=340:----2009---8-5--2009---8--2009&catid=28:1388-06-04-08-14-43&Itemid=66.
9. Jones, S. (2006). Collaboration – A Threat to Academic Autonomy, Retrieved from <http://www.sccure.ascilite.org.au/conferences/melburne>.
10. Kettunen, J. (2006). "Strategic Planning of Regional Development in High Education", *Baltic Journal of management*, 1 (3): 259-269.
11. NEA: National education association (2004). *Higher Education and Privatization*, Washington D. C, Vol. 10 .
12. NKE, Steven (2002). "Privatization & Development", *International center for Economic Growth* .
13. OECD (2007). *Funding systems and high education systems*.
14. Okoli, C., Pawlowski, S. D. (2004). "The Delphi Method as a Research Tool: An example design consideration and applications" , *Information & management*, 42 (1):15-29.
15. Powell, C. (2003). "The Delphi Technique: Myths and Realities", *Journal of Advanced Nursing*, 41 (4): 376-382.
16. Rossman, P. (2003). *The Future of Higher Life Long Education; a holistic view*. NY: basic book.
17. Sheehan, M. (2005). *International Security: An Analytical Survey*, Lynne Rienner Publishers.
18. Story, V., Hurdley, L., Smith, G., Saker, J.(2001). *Methodological and Practical Implications of the Delphi Technique in Marketing Decision-making: A reassessment*, *The Marketing review*, 1 .
19. Welsh, T., Mc Ginn, N. F. (2000). *Decentralization of Education: Why, When, What and How?*; *International Institute for Educational Planning (IIEP)*, Unesco, Paris .
20. *World university service* (2002). *The Lima Declaration on Academic Freedom and Autonomy of Institutions of Higher education*, US. New York .
21. Zumeta, W. (2001). *The Finance of Higher Education*, Agathon press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی